

[مفهوم جمله شرطیه 1](#_Toc87290838)

[دلالت وضعیه جمله شرطیه بر خصوصیت 2](#_Toc87290839)

[مختار مرحوم اصفهانی نسبت به موضوع له ادات شرط 2](#_Toc87290840)

[اشکال اول بر مختار مرحوم اصفهانی 2](#_Toc87290841)

[جواب استاد از اشکال اول 3](#_Toc87290842)

[اشکال دوم بر مختار مرحوم اصفهانی 3](#_Toc87290843)

[جواب استاد از اشکال دوم 3](#_Toc87290844)

**موضوع**: معنای ادات شرط /مفهوم شرط /مفاهیم

**خلاصه مباحث گذشته:**

بحث در مورد تعریف مفهوم و تنقیح محل کلام تمام شد. اولین قضیه­­ای که مورد بررسی قرار گرفته شد، مفهوم شرط بود. استاد فرمودند: واضح است که شرط مفهوم دارد. به مناسبت بحث از مفهوم شرط وارد بحث از معنای ادات شرط شدند.

# مفهوم جمله شرطیه

بحث در مورد مفهوم شرط است. آیا جمله شرطیه که دلالت بر ثبوت عند الثبوت دارد، دلالت بر انتفاء عند الانتفاء هم دارد یا نه؟ محل اختلاف واقع شده است. مرحوم آخوند مفهوم داشتن جمله شرطیه را موقوف بر این کرد که جمله شرطیه دلالت بر ترتب جزاء بر شرط به نحو ترتب معلول بر علت منحصره داشته باشد که در این صورت مستتبع مفهوم است. اگر این خصوصیت را نداشته باشد، مفهوم ندارد.

در ادامه مرحوم آخوند وارد این بحث شد: آیا جمله شرطیه بر این ترتب علت منحصره دلالت دارد یا نه؟ سه مرحله بحث کرده است. یا بالوضع چنین دلالتی داشته باشد و یا با انصراف و یا با اطلاق چنین دلالتی داشته باشد. در نهایت هیچ کدام را قبول ندارد.

## دلالت وضعیه جمله شرطیه بر خصوصیت

در مرحله اول می­فرماید: جمله شرطیه دلالت وضعیه بر چنین خصوصیتی ندارد هر چند که دلالت وضعیه بر اصل ترتب و لزوم دارد؛ ولی دلالت وضعیه بر ترتب به صورت علت منحصره ندارد. به این مناسبت ما وارد این بحث شدیم که آیا ادات شرط وضعا بر ترتب دلالت دارد یا نه؟

### مختار مرحوم اصفهانی نسبت به موضوع له ادات شرط

مرحوم محقق اصفهانی فرمود: ادات شرط دلالت وضعیه بر ترتب و لزوم ندارند. مفاد ادات شرط این نیست که بین جزاء و شرط ملازمه هست؛ بلکه مدلول ادات شرط این است: ادات شرط در هر لغتی می­گوید: مدخول آن فرضی و تقدیری است. از نسبت تحققیه به نسبت فرضیه تبدیل می­کند. همان گونه که ادات استفهام مدخولشان را از نسبت تحققیه به نسبت استفهامیه تبدیل می­کنند همچنین ادات شرط هم مدخولشان را فرضی می­کنند. جاء زید از نسبت تحققیه خبر می­دهد ان جائک زید به صورت تقدیری این معنا را می­رساند. کاری به جزاء ندارند. ادات شرط برای ترتب جزاء بر شرط وضع نشده­اند. ترتب کار متکلم است. شان ادات شرط این است که شرط را فرضی می­کنند و غالبا متکلم برای فرض، یک اثری را مترتب می­کند.

ایشان فرموده است: اهل ادب این معنا را تصدیق می­کنند و متبادر از ادات شرط هم همین مطلب است؛ یعنی تبدیل واقعیت به فرض.

بر این فرمایش مرحوم اصفهانی اشکالاتی مطرح شده است. ما عمده آنها را مطرح می­کنیم.

#### اشکال اول بر مختار مرحوم اصفهانی

مرحوم صدر فرموده است: لازمه فرمایش مرحوم اصفهانی این است که در جمله شرطیه، وجوب مشروط نداشته باشیم. یک بحثی مطرح است: آیا مفاد ان جائک زید وجوب مشروط است یا نه؟ مرحوم شیخ با این که محال می­داند که وجوب را مشروط کند؛ ولی اعتراف دارد که ظاهر جمله شرطیه وجوب مشروط است.

مرحوم صدر فرموده است: لازمه کلام ایشان این است که وجوب مطلق باشد؛ چرا که شرط فرض شده است و جزاء هم در صورت فرض کردن، فعلی می­شود. بر مبنای مرحوم آخوند وجوب مشروط است؛ زیرا جزاء را ربط به شرط داده است؛ ولی بر مبنای اصفهانی چون که ادات ربط نمی­دهد؛ پس وجوب مطلق است.

##### جواب استاد از اشکال اول

به نظر ما این اشکال وارد نیست. هر چند که فرض الان است و معنای ان جائک زید این است که فرض کردم مجیئ زید را؛ ولی بین انشا و مُنشا خلط شده است. الان انشا شده است؛ اما مُنشا، وجوب عند تحقق خارجی شرط است، نه برای فرض تحقق مجیئ. اصلا معنای آن این است: فرض کن زید آمد، او را اکرام کن. می­خواهد بگوید در آن فرضی که آمد و فرض مبدل به تحقق شد، اکرامش کن.

در باب استفهام می­گوید: ان جائک زید فهل تکرمه؟ استفهام بالفعل است؛ ولی مستفهَم اکرام عند مجیئ است. سوال الان است ولی مورد سوال اکرام عند مجیئ است. در محل کلام هم همین طور است. انشا الان محقق شده است؛ ولی مُنشا عند تحقق شرط است. دقت کنید: مفروض آمدن است، نه فرض کردن.

به عبارت دیگر، ان جائک زید فاکرمه، ان جائک زید مرآت برای مفروض است؛ یعنی مفروض را می­بیند و می­گوید فاکرمه.

مرحوم صدر خودش متوجه شده و جواب اشکالش را داده است.

#### اشکال دوم بر مختار مرحوم اصفهانی

اگر بنا باشد ادات شرط معنایش شرط باشد، آمدن فاء بر جزاء بی معنا می­شود. ان جائک زید معنایش علی فرض آمدن زید است و دیگر معنا ندارد که بگویید پس اکرام واجب است. اگر بنا باشد که شأن ادات این باشد که مدخولشان را فرضی کنند عرفیت ندارد که بعد فرض، تعبیر به پس بیاید. تعبیرِ اگر برای تحقق است، نه فرض. بله؛ اگر اگر بر ترتب دلالت کند، تعبیر به پس سازگاری دارد؛ یعنی اگر شرط باشد پس جزاء مترتب می­شود.

##### جواب استاد از اشکال دوم

به نظر ما این اشکال اضعف است. این که مرحوم اصفهانی فرموده است: ادات شرط مدخولشان را فرضی می­کنند، معنایش این نیست که معنای جمله تامه، ناقصه می­شود. مثل أن و ما مصدریه که تاویل به مصدر می­برند. این که ادات شرط مدخولشان را فرضی می­کنند، معنایش این نیست که مدخولشان نسبت ناقصه می­شود و تاویل به مصدر می­روند. معنای جمله شرطیه ان جائک زید، علی فرض مجیئ زید که نسبت ناقصه است، نیست.

آیا ادات شرط جمله مدخولشان را مبدل به ناقصه می­کنند یا بر همان تامه بودن باقی می­مانند؟ ادات شرط نسبت را ناقصه نمی­کنند، مثل ادات استفهام است. هل قام زید؟ قام زید نسبت تامه است و وقتی هل می­آید نسبت استفهامیه می­شود. در إن هم این گونه است. ان جائک زید، یعنی جائک زید فرضا لا تحققا؛ نه این که نسبت ناقصه باشد. از قدیم در ذهن ما این مشکل بوده است که مثلا ان کان الله تبارک و تعالی خالق فهو رازق. چطور می­شود که جمله ان کان الله خالق به این بزرگی نسبتش ناقصه باشد؟ إن با حفظ نسبت در مدخولش، فرضی می­کند. فرض کن که زید آمده است، پس اکرامش کن.

این که مستشکل فکر می­کند إن مدخولش را فرضی می­کند و آن را تاویل به مصدر می­برد، صحیح نیست؛ بلکه نسبت را فرضیه می­کند.

ان قلت: اگر نسبت تامه است؛ پس چرا حالت انتظاری داریم؟ آیا کاشف از نسبت ناقصه بودن نیست؟

قلت: اولا درست است که حالت انتظاری دارد؛ ولی غالبی است و چه بسا حالت انتظاری ندارد. مثلا متکلم می­گوید: اگر زید بیاید به قتل می­رسانمش، بعد مخاطب می­گوید ان جاء؛ یعنی اگر بیاید.

ثانیا حالت انتظاری داشتن به خاطر این است که نسبت را فرض کرده است و متعارف این است که وقتی که یک چیزی فرض می­کنند یک چیزی مترتب کنند. در حقیقت به خاطر این صِرف فرض اثری ندارد و می­خواهند یک چیزی مترتب کنند، حالت انتظاری دارد نه این که به خاطر این باشد که نسبت ناقصه دارد.

فرض کردن یک اعتبار است و باید به غرض چیز دیگری باشد. مثلا کسی بگوید من آمدن زید را فرض کردم، حالا فرض کردن آمدن زید چه فایده ای دارد؟ فرض آن برای وجوب اکرام است؛ پس نکته این است که باید برای فرض یک چیزی مترتب بشود، نه اینکه نسبت ناقصه باشد. فرض به غرض چیزی دیگری است. خود فرض که غرض ندارد. دقت کنید: معنای شرط از جمله به افراد نرفته است.

تعبیر به إن جزا را به شرط ربطی می­دهد؛ اما نسبت جاء زید را خراب نمی­کند. نسبت تامه است؛ ولی حالت انتظار دارد. این حالت انتظار از فرضی بودن ناشی می­شود، نه از نقص نسبت. چون در نسبت فرض وجود دارد، یک چیزی را باید مترتب کند. در استفهام متلکم منتظر است که طرف مقابل چیزی بگوید و در شرط مخاطب منتظر است که متکلم چیزی بگوید.

در نهایت، به نظر ما حرف محقق اصفهانی درست است؛ یعنی ادات شرط برای ربط جزاء به شرط نیامده­اند؛ بلکه مدخولشان را تغییر می­دهند؛ اما اینکه جزاء را مرتبط به شرط کند، درست نیست. اصلا بر جزاء داخل نشده است. غالبا اگر کسی بخواهد ربط بر قرار کند، با فاء ربط می­دهد.

ما قبول داریم که ربطی وجود دارد؛ اما سوال این است که دال بر این ارتباط چیست؟ مرحوم آخوند می­گوید: همین شرط است که ربط را آورده است. مرحوم اصفهانی می­گوید: صرف گفتن ارتباط را حاصل می­کند. ارتباط را آوردن جمله دوم حاصل می­کند. منبه این است: چه بسا فاء را هم بیاورند و ربط را بفهمانند.

گاهی اوقات اصلا ادات شرط نیست مثل ضربتنی اضربک. ارتباط از تکلم متکلم به وجود آمده است. علاوه بر این، شما بگویید با آمدن إن ارتباط می­آید؛ ولی ما می­گوییم با آمدن إن ربط لازم می­شود، نه این که إن ربط را به وجود می­آورد. فاء و تکلم این ربط را به وجود می­آورد.

من ذلک ظهر، این بحث ثمره عملی ندارد؛ چرا که هر دو قبول دارند که ترتبی هست و مهم این است که ترتب باشد؛ ولی صحبت این است که این ترتب بالوضع افاده می­شود تا در جایی که ترتب نباشد، مجاز باشد. مرحوم آخوند می­گوید ان جاء زید فالحمار ناهق، مجاز گویی است. یا این که إن برای فرض کردن است و متکلم خودش ترتب را انجام می­دهد.

به نظر ما ان جاء زید فالحمار ناهق با ان جائک زید فاکرمه، فرقی نیست. اگر شما فرقی احساس می­کنید به خاطر این است که در جمله اول ترتب ادعایی مطرح است، نه این در إن مجاز گویی شده باشد. إن در هر دو جمله به یک معنا و به معنا اگر استعمال شده است؛ ولی در یکی یک چیز غیر متعارفی را مرتب کرده است.

علی ای حال، ترتب در جمله شرطیه مفروغ عنه است.